



Received:  
2024/09/10  
Revised:  
2024/10/08  
Accepted:  
2024/11/27  
p.p:125-148

ISSN:2717-3682  
E-ISSN:2717-3690



## *The Role of Modern Diplomacy in Managing Unarmed Security Threats*

Chenari, Mojtaba ✉ <sup>1</sup> | Karimifard, Hossein ✉ <sup>2</sup>  
Akbarzadeh, Feredoun ✉ <sup>3</sup> | Fattahi, Shahram ✉ <sup>4</sup>

### Abstract

Amidst the rivalry of global powers and an ongoing geopolitical transition, the ascendance of resistance movements and groups is evident. West Asia and the Southwestern region, long subject to the presence of extra-regional powers, are also witnessing this phenomenon. The quantitative and qualitative growth of resistance in this region stems from various causes; however, one of its principal geographical origins is Iran. Leveraging its intrinsic capacities, Iran has provided intellectual and spiritual support to resistance groups. Utilizing a descriptive-analytical approach, this research seeks to investigate the capacities and strategies that enable Iran to advance the globalization of resistance. The findings indicate that Iran possesses both soft and hard power capacities for such a role. These include, respectively: Iran's distinguished geopolitical position; its dominance, oversight, and influence over key geopolitical zones; the role of the Quds Force and its advisory and movement-based activities; a compelling discourse and ideological framework; a lofty, universal ideal; the project of a nascent Islamic civilization; intermediate components within its governance model; and the cultivation of elite human capital.

**Keywords:** Resistance, Globalization of Resistance, Geopolitics of Iran, Soft Power, Hard Power.

1. P.hD student, Deartment of political Science, International Relations, Ahvaz branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. ✉ dr.m.ch.91@gmail.com
2. Associate professor, Deartment of political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz,
3. Assistant professor, Deartment of political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
4. Assistant professor, Deartment of International Relations, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons

Attribution Non-Commercial (CC-BY-NC) license.





«نقش دیپلماسی نوین در مدیریت  
تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه»

چناری و ...



## نقش دیپلماسی نوین در مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه

چناری، مجتبی |<sup>۱</sup> | کریمی‌فر، حسین |<sup>۲</sup>

اکبرزاده، فریدون |<sup>۳</sup> | فتاحی، شهرام |<sup>۴</sup>

### چکیده:

دیپلماسی نوین به عنوان یک ابزار استراتژیک در مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه، به طور فزاینده‌ای اهمیت یافته است. این مقاله به بررسی نقش دیپلماسی نوین در مقابله با تهدیدات غیرمسلحانه، از جمله تهدیدات سایبری، بحران‌های زیست‌محیطی و جنگ‌های اطلاعاتی می‌پردازد. دیپلماسی نوین با بهره‌گیری از ابزارهای چندجانبه و دیجیتال، همکاری‌های بین‌المللی و فناوری‌های پیشرفته، به کشورها کمک می‌کند تا تهدیدات را شناسایی، تحلیل و مدیریت کنند. سؤال اصلی تحقیق این است که دیپلماسی نوین چه نقشی در مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه ایفا می‌کند و چگونه می‌تواند به بهبود امنیت ملی در مواجهه با این تهدیدات کمک کند؟ فرضیه اصلی مقاله این است که دیپلماسی نوین، با استفاده از ابزارهایی چون دیپلماسی دیجیتال، دیپلماسی عمومی و مدیریت رسانه‌ای، می‌تواند به طور مؤثری در کاهش تهدیدات غیرمسلحانه نقش ایفا کند. این تحقیق با استفاده از روش‌های تحلیلی-تبیینی و بررسی مطالعات موردی، به تحلیل و ارزیابی نقش دیپلماسی نوین در مدیریت تهدیدات سایبری، اقتصادی، زیست‌محیطی و اطلاعاتی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که دیپلماسی نوین می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر در ارتقاء امنیت ملی و مقابله با تهدیدات غیرمسلحانه عمل کند، به شرطی که به درستی و به طور هدفمند به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: دیپلماسی نوین، مدیریت، تهدید، امنیت، غیرمسلح

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، رشته روابط بین‌الملل، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. [dr.m.ch.91@gmail.com](mailto:dr.m.ch.91@gmail.com)

۲. دانشیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۴. استادیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.



## بیان مسئله

در عصر حاضر، امنیت ملی و جهانی به موضوعی پیچیده و چندوجهی تبدیل شده است. تهدیدات امنیتی که در دنیای امروز با آن‌ها مواجه هستیم، به سرعت در حال تحول و گسترش هستند و به دلایل مختلف نمی‌توان به آن‌ها تنها از طریق ابزارهای سنتی نظامی پاسخ داد. در این زمینه، تهدیدات غیرمسلحانه نظیر تهدیدات سایبری، اقتصادی، زیست‌محیطی و اطلاعاتی، نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند. این نوع تهدیدات که به طور مستقیم از نیروی نظامی استفاده نمی‌کنند، می‌توانند به طور چشمگیری بر امنیت ملی و جهانی تأثیر بگذارند و نیاز به رویکردهای جدید و نوآورانه در مدیریت آن‌ها را بیش از پیش آشکار می‌سازند.

دیپلماسی نوین به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت تهدیدات غیرمسلحانه، توانسته است در سال‌های اخیر نقش ویژه‌ای را در این زمینه ایفا کند. این نوع دیپلماسی با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی جدید، به دولت‌ها و سازمان‌ها این امکان را می‌دهد که به شکل مؤثری با تهدیدات غیرمسلحانه مقابله کنند. در این میان، دیپلماسی دیجیتال، دیپلماسی عمومی و مدیریت رسانه‌ای به عنوان ابزارهای کلیدی در دیپلماسی نوین شناخته می‌شوند که می‌توانند در کاهش تهدیدات و ارتقاء امنیت ملی نقش بسزایی ایفا کنند. تهدیدات غیرمسلحانه به دلیل ماهیت پیچیده و چندوجهی خود، نیاز به رویکردهای نوین و هماهنگ در مدیریت و مقابله دارند.

پژوهش حاضر به بررسی نقش دیپلماسی نوین در مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه می‌پردازد و هدف آن تحلیل نحوه اثرگذاری این نوع دیپلماسی بر کاهش و مدیریت تهدیدات غیرمسلحانه است. سؤال اصلی پژوهش این است که دیپلماسی نوین چگونه می‌تواند به بهبود مدیریت تهدیدات غیرمسلحانه کمک کند و چه نقش‌هایی را در این زمینه ایفا می‌کند؟ فرضیه اصلی این است که دیپلماسی نوین، با استفاده از ابزارهای دیجیتال، رسانه‌ای و عمومی، می‌تواند به طور مؤثری در کاهش تهدیدات غیرمسلحانه نقش ایفا کند و به بهبود امنیت ملی و بین‌المللی کمک کند. تحلیل‌های انجام شده در این پژوهش به بررسی عملکرد دیپلماسی نوین در حوزه‌های مختلف تهدیدات غیرمسلحانه می‌پردازد و به ارائه راهکارهای عملی برای بهبود مدیریت این تهدیدات کمک می‌کند.

پژوهش حاضر با تحلیل جامع و دقیق نقش دیپلماسی نوین در این زمینه، به ارائه راهکارها و پیشنهادات عملی برای بهبود مدیریت تهدیدات غیرمسلحانه پرداخته است و اهمیت این نوع دیپلماسی را در دنیای دیجیتالی و جهانی شده امروز به نمایش گذاشته است.

## مبانی نظری

### دیپلماسی نوین

«انقلاب بزرگ عصر اطلاعات باید در قلمرو دیپلماسی رخ می‌داد. ایالات متحده آمریکا از دهه ۱۹۶۰ به بعد یک انقلاب در امور تجاری را تجربه کرده و در اواخر دهه ۱۹۸۰ یک انقلاب در امور نظامی (RMA) را انجام شد. اینک موعد انقلاب در امور دیپلماتیک (RDA) فرا رسیده است» (Arquilla & Ronfeldt, 2009: 352). این رهنمود به روشنی از وقوع تحولات شگرف در عرصه دیپلماسی متعاقب تغییر سیمای جهان طی دهه‌های اخیر حکایت دارد. پس از بازنگری در معنای پیشین دیپلماسی به نحوی که سازگار با اقتضائات محیط جهانی باشد می‌توان گفت: «دیپلماسی عبارت است از فن مدیریت روابط کشورها با یکدیگر و میان کشورها با دیگر بازیگران بین‌المللی که شامل گروه‌ها، سازمان‌ها و افرادی است که در کنار دولت‌ها دیپلماسی را به عنوان نظامی اطلاعاتی برای بیان و دفاع از منافع و اعلان تهدیدها و اولتیماتوم‌ها به کار می‌برند» (آشنا و جعفری، ۱۳۸۶: ۱۸۱). دیپلماسی نوین می‌تواند انواع گوناگونی داشته باشد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از عمومی، نظامی، اجبار، اقتصادی، رسانه‌ای، سایبری و مسیر دو.

دیپلماسی نوین را در قیاس با دیپلماسی سنتی بهتر می‌توان شناخت. یکی از مهم‌ترین خصائص دیپلماسی نوین، شفافیت آن نسبت به دیپلماسی سنتی پنهان و رازآلود است. در عصر ارتباطات و اطلاعات که مجاری فراوانی برای اطلاع‌رسانی همگانی وجود دارد؛ سیاسیون و دولت‌مردان هیچ گریزگاهی برای مصون ماندن از هجوم بی‌امان رسانه‌ها ندارند، دیگر نمی‌توان مذاکرات دیپلماتیک را در پشت درهای بسته انجام داد و از درز نکردن محتوای گفتگوها به آن سوی دیوارها آسوده خاطر بود. اگر تا چندی پیش موضوعات محدود سیاسی، نظامی و امنیتی بخش اعظم محتوای مذاکرات دیپلماتیک را به خود اختصاص می‌داد، در عصر کنونی انبوهی از موضوعات متنوع مربوط به حوزه‌های گوناگون مانند حقوق بشر، فقر و بیکاری، محیط زیست، مشکلات آوارگان، تروریسم، قاچاق مواد مخدر، ایدز و نظایر این‌ها جای خود را در دستور کار عالی‌ترین سطوح دیپلماسی جهانی باز کرده‌اند. این تنوع دستور کار



سبب گردیده است که دیپلماسی از قلمرو اختصاصی دولت‌ها خارج شده و به نحو فزاینده‌ای با عموم موجودیت‌های جامعه جهانی ارتباط یابد و دیپلمات‌ها علاوه بر تنظیم روابط فی‌مابین دولت‌ها، در پی ساماندهی روابط دولت‌ها با سایر کنشگران حاضر در صحنه نیز باشند (گنجی دوست، ۱۳۸۷: ۲۰۴-۲۰۷). از نظر نویسنده، دیپلماسی می‌تواند در اجماع‌سازی بین بازیگران متفاوت بر سر موضوع جنگ و همچنین مشروع‌سازی اقدام علیه بازیگر هدف نقش مهمی را ایفا کند. دیپلماسی همواره به عنوان ابزاری برای شرطی کردن طرف مقابل، قابلیت استفاده دارد و به مثابه جنگ و ادامه آن خواهد بود.

### نظریه امنیتی همکاری بین‌المللی

در دنیای پیچیده و به هم پیوسته امروز، امنیت جهانی یکی از دغدغه‌های اساسی تمامی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی است. نظریه امنیتی همکاری بین‌المللی به عنوان یکی از رویکردهای نوین در مطالعات امنیت بین‌الملل، به بررسی چگونگی همکاری دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای حفظ و ارتقای امنیت در سطح جهانی می‌پردازد. این نظریه برخلاف رویکردهای سنتی واقع‌گرایانه که عمدتاً بر رقابت و درگیری بین دولت‌ها تأکید دارند، بر اهمیت همکاری و تعامل میان دولت‌ها برای مقابله با تهدیدات امنیتی تأکید می‌کند.

یکی از پیشگامان این نظریه، رابرت کیوهان، معتقد است که همکاری بین‌المللی در صورتی که به درستی مدیریت شود، می‌تواند به عنوان یک عامل اصلی در ایجاد نظم جهانی و جلوگیری از تهدیدات امنیتی عمل کند. به گفته او، ایجاد نهادهای بین‌المللی که قادر به نظارت و اجرای توافقات باشند، به کشورها این امکان را می‌دهد که منافع مشترک خود را دنبال کنند و از اقدامات یک‌جانبه که ممکن است به امنیت بین‌المللی آسیب برساند، جلوگیری کنند (Keohane, 1984: 65).

یکی از مبانی اصلی این نظریه، این است که تهدیدات امنیتی در جهان امروز به شکل فزاینده‌ای فراگیر و چندبعدی شده‌اند و دولت‌ها به تنهایی قادر به مقابله با این تهدیدات نیستند (Keohane & Nye, 1977: 19). به عنوان مثال، تهدیدات ناشی از تروریسم بین‌المللی، تغییرات آب‌وهوایی، شیوع بیماری‌های همه‌گیر و بحران‌های اقتصادی جهانی نیازمند همکاری و هماهنگی بین دولت‌ها و سایر بازیگران بین‌المللی است. این نظریه، همکاری بین‌المللی به عنوان راهکاری مؤثر برای کاهش تعارضات و افزایش امنیت جهانی مطرح می‌شود. این همکاری‌ها نه تنها در زمینه نظامی و امنیتی، بلکه در حوزه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و حقوق بشری نیز اهمیت دارد.

همکاری بین‌المللی به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا از طریق دیپلماسی، توافق‌نامه‌ها و نهادهای چندجانبه به حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعات پرداخته و از بروز جنگ‌ها و درگیری‌های بین‌المللی جلوگیری کنند و امنیت ملی خود را تأمین کنند بدون آنکه به منافع سایر دولت‌ها ضربه بزنند (Moravcsik, 1997: 518). در سطح منطقه‌ای، نظریه امنیتی همکاری بین‌المللی بر این باور است که سازمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا و آسه‌آن می‌توانند به عنوان واسطه‌هایی برای همکاری امنیتی عمل کنند و با ایجاد چارچوب‌های حقوقی و سیاسی مشترک، امنیت منطقه‌ای را تقویت کنند. این سازمان‌ها نقش مهمی در کاهش تنش‌ها و ایجاد صلح در مناطق بحران‌زده ایفا می‌کنند (Adler & Barnett, 1998: 101).

نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، ناتو و سازمان همکاری‌های اسلامی نقش بسزایی در اجرای این نظریه دارند. این نهادها از طریق ایجاد سازوکارهای همکاری و تعامل، به دولت‌ها کمک می‌کنند تا در مواجهه با تهدیدات جهانی، به توافق‌های جمعی دست یابند (Hurrell, 1995: 66). از جمله اقدامات مهم این نهادها می‌توان به ایجاد مأموریت‌های حفظ صلح، نظارت بر اجرای توافقات بین‌المللی و ارائه کمک‌های انسانی اشاره کرد (Buzan & Hansen, 2009: 214).

این نظریه با تکیه بر همکاری‌های چندجانبه و نقش نهادهای بین‌المللی، سعی در ایجاد نظم جهانی پایدار و کاهش تعارضات بین‌المللی دارد. با این حال، این نظریه همچنان نیازمند تقویت سازوکارهای اجرایی و یافتن راه‌حلی برای مقابله با چالش‌های موجود در همکاری‌های بین‌المللی است. با این حال، محدودیت‌های این نظریه از سوی رئالیست‌ها و دیگر منتقدان باید در نظر گرفته شود تا بتوان به تحلیلی جامع‌تر از روابط بین‌المللی و امنیت جهانی دست یافت.

### پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه امنیت ملی مهم‌ترین موضوع مورد تأکید هر کشور است؛ همواره کشورها با استفاده از روش‌های مختلف در پی آن بوده‌اند که با ابزارهای مختلف به این امر دست یابند، محقق با مراجعه به مراکز دانشگاهی و پژوهشی مختلف به اثری که به صورت مجزا به بررسی نقش دیپلماسی نوین در مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه پرداخته باشد، دست نیافت؛ اما کتب و مقالاتی انتشار یافته است که به طور غیرمستقیم موضوع این تحقیق را مورد کنکاش قرار داده‌اند.



۱. حمیدرضا فلاح در مقاله «دیپلماسی فرهنگی و امنیت غیرمسلحانه: ابعاد و کارکردها» (۱۴۰۰) به مطالعه ابعاد مختلف دیپلماسی فرهنگی و نقش آن‌ها در حفظ و ارتقاء امنیت غیرمسلحانه می‌پردازد؛ اما مشخصاً در مورد نقش دیپلماسی نوین در مدیریت تهدیدات امنیتی سخنی به میان نمی‌آورد.
  ۲. سعید قاسمی در مقاله «دیپلماسی پیشگیرانه: نظریه‌ها و کاربردها» (۱۴۰۰) به بررسی نظریه‌ها و کاربردهای دیپلماسی پیشگیرانه در مقابله با تهدیدات می‌پردازد، اما به نقش سایر متدهای دیپلماسی در حفظ و ارتقاء مدیریت تهدیدات امنیتی اشاره‌ای نمی‌کند.
  ۳. مریم رضایی در مقاله «دیپلماسی دیجیتال و تهدیدات امنیتی: تحلیل روندها» (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر دیپلماسی دیجیتال و فناوری‌های نوین بر بروز تهدیدات امنیتی می‌پردازد، ولی اشاره‌ای به نحوه مدیریت این تهدیدات و نقش سایر مؤلفه‌های دیپلماسی نوین نمی‌کند.
  ۴. دیوید. ام. آلن در مقاله «نقش رسانه‌ها در دیپلماسی غیر نظامی: تحلیل مقایسه‌ای» (۲۰۲۳) به تأثیر رسانه‌ها بر دیپلماسی غیرمسلحانه و چگونگی استفاده از رسانه‌ها برای مدیریت تهدیدات امنیتی می‌پردازد، اما سایر مؤلفه‌های دیپلماسی نوین و همچنین تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه توجهی ندارد.
  ۵. جودی دمپسی در مقاله «پیشرفت‌ها در دیپلماسی دیجیتال برای مدیریت تهدیدات امنیتی» (۲۰۲۲) به تحلیل تأثیر فناوری‌های دیجیتال و دیپلماسی دیجیتال در مدیریت تهدیدات امنیتی پرداخته است. مجموعه محتوای آن دیپلماسی دیجیتال را به خوبی تفسیر می‌نماید، اما در خصوص سایر مؤلفه‌های دیپلماسی نوین و همچنین تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه سخنی به میان نمی‌آورد.
  ۶. ریچارد ای. بیتزینگر در کتاب «دیپلماسی اقتصادی و تهدید امنیتی غیر نظامی» (۲۰۲۲) به بررسی تأثیر دیپلماسی اقتصادی بر کاهش تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه و بررسی کارکردهای آن می‌پردازد؛ اما مشخصاً در مورد نقش سایر مؤلفه‌های دیپلماسی نوین در مدیریت تهدیدات امنیتی سخنی به میان نمی‌آورد.
- پژوهش حاضر با تمرکز بر ویژگی‌ها و ابزارهای نوین دیپلماسی از جمله دیپلماسی عمومی، سایبری، اقتصادی و رسانه‌ای، تفاوت اساسی با پژوهش‌های پیشین دارد. همچنین، رویکرد بین‌رشته‌ای این تحقیق که مطالعات امنیتی، سیاسی و روابط بین‌الملل را تلفیق می‌کند، تحلیل جامع‌تری از این تهدیدات ارائه می‌دهد. استفاده از مطالعات موردی معاصر و ابزارهای نوین مدیریت دیپلماتیک، پژوهش را در زمینه امنیت بین‌المللی و دیپلماسی متمایز می‌سازد.

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از حیث نوع، کاربردی است، از آن جهت که به دنبال بررسی نقش دیپلماسی نوین در مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه است. در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای، اسنادی (کتاب و مقالات) و منابع اینترنتی استفاده شده و با مراجعه به منابع مرتبط در این زمینه به دنبال این بوده که ابعاد مختلف و مصداقی موضوع را شناسایی و مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. از روش کیفی با رویکرد تحلیلی-تبیینی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

### مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه

مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه به طور گسترده‌ای به مشکلات و چالش‌هایی می‌پردازد که به طور مستقیم به قدرت نظامی مربوط نمی‌شود، اما می‌تواند به طور قابل توجهی بر ثبات و امنیت ملی و بین‌المللی تأثیر بگذارد. این تهدیدات شامل بحران‌های اقتصادی، تغییرات اقلیمی، نابرابری‌های اجتماعی، بیماری‌های واگیردار و تهدیدات سایبری است (Bitzinger, 2022).

تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه به مسائلی اشاره دارد که به طور مستقیم با استفاده از زور نظامی در ارتباط نیستند، اما می‌توانند به طور جدی بر امنیت و ثبات کشورها و جوامع تأثیر بگذارند. این تهدیدات شامل بحران‌های اقتصادی، تغییرات اقلیمی، نابرابری‌های اجتماعی و تهدیدات سایبری هستند که می‌توانند منجر به بی‌ثباتی اجتماعی و اقتصادی، بحران‌های انسانی و حتی درگیری‌های مسلحانه شوند (احمدی‌نژاد، ۱۴۰۲: ۶۰). برای مثال، بحران‌های اقتصادی می‌توانند موجب افزایش نارضایتی اجتماعی و ایجاد تنش‌های داخلی شوند، در حالی که تغییرات اقلیمی می‌تواند به مهاجرت‌های اجباری و نزاع بر سر منابع طبیعی بینجامد. این مسائل به ویژه در دنیای امروز که به سرعت در حال تغییر است، نیازمند استراتژی‌های مدیریتی خاص و مؤثر هستند.

| انواع تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه |            |                                     |
|---------------------------------|------------|-------------------------------------|
| ردیف                            | نوع تهدید  | مصداق                               |
| ۱                               | اقتصادی    | تحریم‌های اقتصادی و تروریسم اقتصادی |
| ۲                               | سایبری     | حملات سایبری و جاسوسی سایبری        |
| ۲                               | زیست محیطی | تغییرات اقلیمی و آلودگی محیط زیست   |



| انواع تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه |           |                               |
|---------------------------------|-----------|-------------------------------|
| ردیف                            | نوع تهدید | مصادیق                        |
| ۴                               | بهداشتی   | پاندمی‌ها و بیوتروریسم        |
| ۵                               | اجتماعی   | تروریسم و ناآرامی‌های اجتماعی |

### ابزارهای مدیریت

دیپلماسی نوین و پیشگیرانه: دیپلماسی پیشگیرانه شامل شناسایی و کاهش تهدیدات پیش از آنکه به بحران تبدیل شوند، است. این روش به ویژه در مواجهه با بحران‌های زیست محیطی و اقتصادی اهمیت دارد مانند توافق نامه پاریس (بهمنش، ۱۳۹۹: ۱۲۰).

همکاری‌های بین‌المللی: همکاری‌های بین‌المللی و ایجاد سازوکارهای مشترک توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی نقش مهمی در هماهنگی و اجرای اقدامات مقابله‌ای دارند (فلاح، ۱۴۰۰: ۸۸). این سازمان‌ها می‌توانند به تبادل اطلاعات، هماهنگی فعالیت‌ها و حمایت از کشورها در مواجهه با تهدیدات کمک کنند.

استراتژی‌های پیشگیرانه و واکنش سریع: این استراتژی می‌تواند به کاهش آسیب‌ها و کنترل بحران‌ها کمک کند. این شامل توسعه سیاست‌های اقتصادی پایدار، اجرای برنامه‌های آموزش و آگاهی‌رسانی و ایجاد ظرفیت‌های لازم برای مقابله با بحران‌ها می‌شود (نوری، ۱۴۰۰: ۴۵).

تحلیل و پیش‌بینی تهدیدات: استفاده از مدل‌های پیش‌بینی و تحلیل داده‌ها برای شناسایی و پیش‌بینی تهدیدات غیرمسلحانه بسیار مؤثر است (قاسمی، ۱۴۰۰: ۷۲). به عنوان مثال، استفاده از مدل‌های آب و هوایی برای پیش‌بینی اثرات تغییرات اقلیمی یا تحلیل‌های اقتصادی برای شناسایی بحران‌های مالی می‌تواند به مدیریت به موقع این تهدیدات کمک کند.

مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه یک امر پیچیده و چندوجهی است که نیازمند استفاده از ابزارها و استراتژی‌های مختلف است. دیپلماسی پیشگیرانه، همکاری‌های بین‌المللی و تحلیل داده‌ها از جمله ابزارهای کلیدی در این زمینه به شمار می‌روند. برای مقابله مؤثر با تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه، کشورها و سازمان‌های بین‌المللی باید تلاش‌های خود را هماهنگ کنند و از فناوری‌های



نوبین و ظرفیت‌های انسانی بهره‌برداری نمایند. با در نظر گرفتن چالش‌ها و فرصت‌های موجود، می‌توان به مدیریت بهتر تهدیدات غیرمسلحانه و ارتقاء امنیت جهانی کمک کرد.

### نقش دیپلماسی نوبین در مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه

دیپلماسی نوبین به عنوان یک ابزار مؤثر در مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه شناخته می‌شود. این دیپلماسی به جای استفاده از فشارهای نظامی و تهدیدات مستقیم، براساس همکاری‌های بین‌المللی، گفت‌وگو و تبادل اطلاعات عمل می‌کند. دیپلماسی نوبین تلاش می‌کند تا از طریق دیپلماسی عمومی، نظامی، اجبار، اقتصادی، رسانه‌ای، سایبری و مسیر دو مسائل امنیتی را به طور مسالمت‌آمیز حل کند.

### دیپلماسی عمومی

این نوع دیپلماسی با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی و ارتقاء تصویر ملی یک کشور، تلاش می‌کند تا از طریق ارتباطات، فرهنگ و ارزش‌ها، تهدیدات غیرمسلحانه نظیر تروریسم، افراط‌گرایی، جنگ‌های اطلاعاتی و سایبری و چالش‌های زیست‌محیطی را مدیریت کند (Nay, 2004: 107). دیپلماسی عمومی نه تنها به دنبال ایجاد درک مثبت از سیاست‌ها و اقدامات یک کشور است، بلکه درصدد تقویت مشروعیت دولت‌ها و کاهش تهدیدات از طریق ایجاد اعتماد و همکاری بین‌المللی نیز است.

دیپلماسی عمومی می‌تواند با استفاده از سه حوزه اصلی یعنی ارتباطات استراتژیک، تعامل و همکاری بین‌المللی و تقویت فرهنگ و ارزش‌های مشترک، نقش آفرینی کند. نخست، ارتباطات استراتژیک شامل برنامه‌ریزی‌های دقیق و هدفمند برای انتقال پیام‌های کلیدی به جوامع هدف است (گیل، ۲۰۱۵: ۸۵). این ارتباطات به دنبال تأثیرگذاری بر نگرش‌ها و تغییر رفتارهای افراد در جوامع مخاطب هستند تا با کاهش سوء تفاهم‌ها و تقویت اعتماد، از شدت تهدیدات امنیتی بکاهند.

دوم، با تقویت همکاری‌های بین‌المللی، کشورها می‌توانند از تجربیات یکدیگر بهره‌مند شوند و در مقابله با تهدیدات امنیتی به‌ویژه در حوزه‌های سایبری و اطلاعاتی به صورت جمعی و هماهنگ عمل کنند. این همکاری‌ها می‌تواند از طریق برنامه‌های آموزشی، تبادل اطلاعات و تقویت نهادهای بین‌المللی صورت پذیرد.



سوم، تقویت فرهنگ و ارزش‌های مشترک شامل ترویج ارزش‌هایی نظیر دموکراسی، حقوق بشر و صلح‌طلبی است که با گسترش این ارزش‌ها در سطح بین‌المللی، امکان ایجاد همبستگی میان جوامع مختلف افزایش می‌یابد و این امر به کاهش تنش‌ها و تهدیدات امنیتی منجر می‌شود.

به‌طورکلی، دیپلماسی عمومی به عنوان ابزاری نرم از طریق تأثیرگذاری بر افکار عمومی، ارتقاء تعاملات بین‌المللی و ترویج فرهنگ و ارزش‌های مشترک، می‌تواند به کاهش تهدیدات امنیتی و تقویت امنیت ملی و بین‌المللی کمک کند. این روش‌ها با کاهش احتمال بروز تنش‌ها و ایجاد بسترهای مناسب برای تعاملات مسالمت‌آمیز، به حفظ ثبات جهانی کمک می‌کنند.

### دیپلماسی نظامی

دیپلماسی نظامی به عنوان یکی از ابزارهای مهم در حوزه سیاست خارجی کشورها، نقش مؤثری در مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه ایفا می‌کند. این نوع دیپلماسی شامل تعاملات و همکاری‌های نظامی میان کشورها، با هدف ایجاد ائتلاف‌های دفاعی، ارتقاء همکاری‌های نظامی و تبادل اطلاعات است که به کاهش تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه مانند جرائم سازمان‌یافته، تهدیدات سایبری و بحران‌های منطقه‌ای کمک می‌کند (بوزان، ۲۰۰۷: ۱۱۳).

دیپلماسی نظامی از طریق سه محور اصلی یعنی همکاری‌های دفاعی بین‌المللی و تبادل اطلاعات و فناوری، در مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه نقش‌آفرینی می‌کند. نخست، همکاری‌های دفاعی بین‌المللی میان کشورها به‌ویژه در قالب پیمان‌ها و ائتلاف‌های نظامی، موجب تقویت توان دفاعی مشترک و ایجاد هماهنگی می‌شود. این همکاری‌ها می‌تواند شامل تبادل تجربیات، برگزاری مانورهای مشترک و توسعه سامانه‌های دفاعی مشترک باشد که در نهایت به کاهش خطرات ناشی از تهدیدات امنیتی منجر می‌شود.

دوم، تبادل اطلاعات و فناوری میان کشورها در چارچوب دیپلماسی نظامی، نقش مهمی دارد. با اشتراک‌گذاری اطلاعات درباره تهدیدات امنیتی مشترک مانند تروریسم و حملات سایبری، کشورها می‌توانند اقدامات پیشگیرانه مؤثری اتخاذ کرده و از گسترش این تهدیدات جلوگیری کنند (کافمن، ۲۰۱۷: ۴۳). همچنین، تبادل فناوری‌های پیشرفته نظامی می‌تواند به تقویت توان دفاعی و ارتقاء ظرفیت‌های مقابله با تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه کمک کند.

دیپلماسی نظامی با ایجاد شبکه‌های همکاری بین‌المللی، تقویت ائتلاف‌های دفاعی و از طریق تعاملات نظامی میان کشورها، نه تنها به ارتقاء امنیت جهانی کمک می‌کند، بلکه با افزایش اعتماد متقابل و کاهش تنش‌ها، بسترهای مناسب‌تری برای حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران‌ها و تهدیدات امنیتی فراهم می‌سازد.

در نهایت، دیپلماسی نظامی به عنوان یک ابزار مهم در سیاست خارجی، با تأکید بر همکاری‌های دفاعی و امنیتی میان کشورها، می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند. این رویکرد از طریق تقویت ائتلاف‌ها و تبادل اطلاعات، به ارتقاء امنیت ملی و بین‌المللی منجر می‌شود و در کاهش خطرات ناشی از تهدیدات غیرمسلحانه نقش آفرینی می‌کند.

### دیپلماسی اجبار

دیپلماسی اجبار یکی از ابزارهای مؤثر در سیاست خارجی به شمار می‌رود. این نوع دیپلماسی شامل استفاده از تهدید یا اعمال فشارهای اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی است تا کشورهای هدف را به تغییر رفتار یا سیاست‌های خاص وادار کند (Baldwin, 2016: 128). دیپلماسی اجبار به طور ویژه در شرایطی به کار گرفته می‌شود که تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه مانند تهدیدات سایبری، جرائم سازمان‌یافته و بحران‌های منطقه‌ای به حدی رسیده‌اند که نیاز به واکنش فوری و قاطعانه دارند.

دیپلماسی اجبار از طریق چهار محور اصلی عمل می‌کند: تهدیدات اقتصادی، تحریم‌ها، فشارهای دیپلماتیک و تهدیدات نظامی. نخست، تهدیدات اقتصادی و تحریم‌ها از ابزارهای اولیه‌ای هستند که می‌توانند کشورهای هدف را تحت فشار قرار دهند تا از سیاست‌های خود دست بردارند. تحریم‌های اقتصادی، از جمله تحریم‌های مالی و تجاری، معمولاً برای تضعیف اقتصادی کشور هدف و محدود کردن منابع مالی گروه‌های تهدیدزا به کار گرفته می‌شوند.

دوم، فشارهای دیپلماتیک، شامل ایجاد انزوا در سطح بین‌المللی، قطع روابط دیپلماتیک و اعمال فشار از طریق سازمان‌های بین‌المللی می‌شود. این فشارها به منظور کاهش اعتبار و مشروعیت بین‌المللی کشور هدف و تضعیف توانایی آن اعمال می‌شود. همچنین، دیپلماسی اجبار از طریق متحدسازی جامعه بین‌المللی می‌تواند تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.



سوم، تهدیدات نظامی به عنوان یک جزء کلیدی از دیپلماسی اجبار، شامل تهدید به استفاده از نیروی نظامی یا نمایش قدرت نظامی به منظور اجبار کشورها به تغییر سیاست‌ها یا رفتارهای تهدیدآمیزشان است. این نوع تهدیدات معمولاً به عنوان یک گزینه نهایی مطرح می‌شود و به صورت هم‌زمان با فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک اعمال می‌شود تا تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.

در نهایت، دیپلماسی اجبار به عنوان یک ابزار چندوجهی در سیاست خارجی با ترکیب تهدیدات اقتصادی، فشارهای دیپلماتیک و تهدیدات نظامی، کشورها را وادار به تغییر رفتار و کاهش تهدیدات امنیتی می‌کند (Art, 2003: 71). با این حال، موفقیت دیپلماسی اجبار به میزان هماهنگی و حمایت بین‌المللی و همچنین ارزیابی دقیق از قدرت و ضعف‌های کشور هدف بستگی دارد.

دیپلماسی اجبار به عنوان یک ابزار قدرتمند در سیاست خارجی، توانایی کشورها را در مقابله با تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه افزایش می‌دهد و می‌تواند به عنوان یک جایگزین برای استفاده از نیروی نظامی مستقیم در مدیریت بحران‌ها به کار گرفته شود. با این حال، این دیپلماسی نیازمند طراحی دقیق، هماهنگی بین‌المللی و ارزیابی مستمر از تأثیرات آن بر کشور هدف و ثبات بین‌المللی است.

### دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی به عنوان یکی از ابزارهای مهم سیاست خارجی، با بهره‌گیری از ابزارهای اقتصادی همچون تجارت، سرمایه‌گذاری، کمک‌های توسعه‌ای و تحریم‌های اقتصادی، تلاش می‌کند تا از طریق تأثیرگذاری بر اقتصاد کشورها، تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه را کنترل و مدیریت کند. این تهدیدات شامل مسائلی مانند جرائم سازمان‌یافته، بحران‌های مالی، مهاجرت غیرقانونی و تغییرات اقلیمی هستند.

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های دیپلماسی اقتصادی، استفاده از تحریم‌های اقتصادی است. این تحریم‌ها می‌توانند به عنوان یک ابزار فشار بر کشورها یا گروه‌هایی که به عنوان تهدید امنیتی شناخته می‌شوند، اعمال شوند. تحریم‌های اقتصادی می‌توانند باعث تضعیف منابع مالی گروه‌های تروریستی، جلوگیری از تأمین تجهیزات و مواد ضروری برای انجام فعالیت‌های غیرقانونی و کاهش ظرفیت کشورها یا سازمان‌هایی شوند که به طور غیرمستقیم به تهدیدات امنیتی دامن می‌زنند.

از سوی دیگر، دیپلماسی اقتصادی از طریق تشویق به توسعه اقتصادی می‌تواند به کاهش فقر، بهبود سطح زندگی، افزایش فرصت‌های شغلی و در نتیجه کاهش انگیزه برای پیوستن به گروه‌های تروریستی یا انجام فعالیت‌های مجرمانه منجر شود. این نوع دیپلماسی از طریق توافقات تجاری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و کمک‌های توسعه‌ای به کشورهای در حال توسعه اعمال می‌شود.

همچنین، دیپلماسی اقتصادی از طریق تنظیمات اقتصادی بین‌المللی و همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای به کاهش تهدیدات امنیتی ناشی از بحران‌های مالی و مهاجرت غیرقانونی کمک می‌کند. ایجاد ترتیبات تجاری و اقتصادی منطقه‌ای، نظیر اتحادیه‌های اقتصادی و توافقات تجارت آزاد، می‌تواند به تقویت همکاری‌های اقتصادی و ثبات منطقه‌ای کمک کند و از این طریق، تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه را کاهش دهد (Aggarwal & Fogarty, 2004: 105).

دیپلماسی اقتصادی همچنین در زمینه مدیریت تهدیدات امنیتی ناشی از تغییرات اقلیمی نیز نقش مهمی دارد. تغییرات اقلیمی می‌توانند باعث ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی و انسانی شده و به نوبه خود تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه را تشدید کنند. در این راستا، همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی برای مقابله با تغییرات اقلیمی، از جمله سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر و توسعه پایدار، می‌تواند به کاهش این تهدیدات کمک کند.

در مجموع، دیپلماسی اقتصادی به عنوان یکی از ابزارهای نرم قدرت، قادر است از طریق تأثیرگذاری بر اقتصاد و توسعه کشورها، تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه را مدیریت و کاهش دهد. این دیپلماسی از طریق ترکیب ابزارهای تحریمی، تشویقی و همکاری‌های بین‌المللی، به ایجاد محیطی پایدارتر و امن‌تر کمک می‌کند. موفقیت دیپلماسی اقتصادی در این زمینه نیازمند هماهنگی بین‌المللی، تحلیل دقیق از شرایط اقتصادی و سیاسی کشورهای هدف و استفاده از ابزارهای اقتصادی متناسب با تهدیدات مورد نظر است.

## دیپلماسی مسیر دوم

دیپلماسی مسیر دوم در حال تبدیل شدن به یک روش کلیدی برای حل مسائل پیچیده جهانی است. این رویکرد شامل گفت‌وگوهای غیررسمی و تعاملات میان بازیگران غیردولتی، متخصصان و نهادهای مدنی است که به وسیله آن می‌توان به حل بحران‌ها و مدیریت تهدیدات غیرمسلحانه پرداخت (Jentleson & Whytock, 2021: 142). دیپلماسی مسیر دوم، به دلیل انعطاف‌پذیری و



خلاقیتش، می‌تواند نقشی حیاتی در مواجهه با چالش‌هایی مانند بحران‌های انسانی، تغییرات اقلیمی و ناآرامی‌های اجتماعی ایفا کند.

یکی از جنبه‌های کلیدی دیپلماسی مسیر دوم، توانایی آن در تسهیل گفت‌وگوهای غیررسمی است که می‌تواند به کاهش تنش‌ها و توسعه راه‌حل‌های مبتنی بر همکاری کمک کند. زمانی که کانال‌های دیپلماتیک رسمی به دلیل اختلافات سیاسی یا دیگر موانع مسدود می‌شوند، دیپلماسی مسیر دوم با فراهم کردن فضای گفت‌وگو برای کارشناسان، نهادهای غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی، امکان تبادل نظر و توسعه راهکارهای نوآورانه را فراهم می‌آورد. این نوع دیپلماسی می‌تواند به شفاف‌سازی و تقویت توافق‌ها در زمینه‌هایی مانند تغییرات اقلیمی یا بحران‌های انسانی کمک کند که از مسیرهای رسمی ممکن است دور بمانند.

در زمینه بحران‌های انسانی و بشردوستانه، دیپلماسی مسیر دوم می‌تواند نقش مؤثری در هماهنگی و پاسخگویی به نیازهای فوری و بلندمدت ایفا کند. نهادهای غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی با استفاده از این رویکرد می‌توانند به تبادل اطلاعات، هم‌فکری و توسعه برنامه‌های مشترک برای مدیریت بحران‌های انسانی بپردازند (Fisher, 2022: 73). این همکاری‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت پناهندگان، کاهش آسیب‌های بشری و افزایش توانایی‌های پاسخ‌دهی کمک کند.

همچنین، دیپلماسی مسیر دوم در مقابله با تغییرات اقلیمی و مسائل زیست‌محیطی اهمیت زیادی دارد. تغییرات اقلیمی به دلیل تأثیرات جهانی‌اش نیاز به اقدامات بین‌المللی هماهنگ دارد. دیپلماسی مسیر دوم با تسهیل گفت‌وگو و همکاری‌های غیررسمی بین کشورهای مختلف و نهادهای غیردولتی، به تقویت استراتژی‌های جهانی برای مقابله با تغییرات اقلیمی کمک می‌کند. این رویکرد به تبادل بهترین شیوه‌ها و ایجاد راه‌حل‌های پایدار برای مشکلات محیط زیستی کمک می‌کند.

در مجموع، دیپلماسی مسیر دوم با استفاده از تعاملات غیررسمی، می‌تواند به مدیریت مؤثر تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه کمک کند. این نوع دیپلماسی با تسهیل گفت‌وگوها و همکاری‌های میان ذینفعان مختلف، به تقویت امنیت جهانی و ارتقای پاسخگویی به بحران‌ها می‌پردازد.

## دیپلماسی رسانه‌ای

دیپلماسی رسانه‌ای شامل استفاده از رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی برای شکل‌دهی به افکار عمومی و تقویت روابط بین‌المللی به منظور مدیریت بحران‌ها و تهدیدات است. در این راستا، رسانه‌ها به عنوان کانال‌هایی برای انتشار اطلاعات، شایعات و تحلیل‌ها عمل می‌کنند که می‌تواند به تقویت یا تضعیف امنیت غیرمسلحانه در سطح ملی و بین‌المللی منجر شود.

یکی از جنبه‌های مهم دیپلماسی رسانه‌ای، توانایی آن در مدیریت بحران‌های اطلاعاتی است. در شرایطی که تهدیدات غیرمسلحانه مانند جنگ سایبری، اخبار جعلی یا بحران‌های انسانی به وجود می‌آید، رسانه‌ها می‌توانند به سرعت به انتشار اطلاعات صحیح و معتبر بپردازند و از انتشار اطلاعات نادرست جلوگیری کنند (Herman & Chomsky, 2002). این نقش در حفظ ثبات اجتماعی و سیاسی و همچنین تقویت اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و بین‌المللی بسیار مؤثر است.

علاوه بر این، دیپلماسی رسانه‌ای می‌تواند به بهبود روابط بین‌الملل کمک کند. کشورها با استفاده از رسانه‌ها و استراتژی‌های رسانه‌ای خود، می‌توانند به تبلیغ سیاست‌های خود بپردازند و از تفسیرهای منفی که ممکن است به ایجاد تنش‌های بین‌المللی منجر شود، جلوگیری کنند. این موضوع به ویژه در زمان بحران‌های جهانی مانند پاندمی‌ها یا تغییرات اقلیمی اهمیت پیدا می‌کند که نیاز به هماهنگی و همکاری بین‌المللی را به دنبال دارد.

دیپلماسی رسانه‌ای همچنین ابزار مفیدی برای مقابله با تهدیدات امنیتی روانی است. اطلاعات نادرست یا مغرضانه می‌تواند به تشویش عمومی و کاهش اعتماد به نهادهای دولتی منجر شود. از این رو، دیپلماسی رسانه‌ای با هدف ایجاد آگاهی عمومی و مقابله با اطلاعات نادرست می‌تواند به تقویت امنیت روانی جامعه کمک کند (Nye, 2004: 79). این نقش به ویژه در دوران بحران‌هایی مانند تروریسم و ناآرامی‌های داخلی که نیاز به مدیریت دقیق افکار عمومی دارند، مشهود است.

به طور کلی، دیپلماسی رسانه‌ای با تمرکز بر اطلاع‌رسانی صحیح و مدیریت بحران‌های اطلاعاتی، می‌تواند به تقویت امنیت و ثبات کمک کند. با این حال، موفقیت این دیپلماسی به توانایی کشورها و نهادهای بین‌المللی در استفاده مؤثر از رسانه‌ها و تقویت همکاری‌های چندجانبه بستگی دارد.



## سایبردیپلماسی

سایبردیپلماسی به تعاملات و استراتژی‌هایی اشاره دارد که کشورها برای مدیریت روابط و مقابله با تهدیدات در فضای دیجیتال به کار می‌برند. با توجه به رشد روزافزون تهدیدات سایبری، مانند حملات هکری، جاسوسی دیجیتال و انتشار اطلاعات نادرست، سایبردیپلماسی به عنوان یک وسیله حیاتی در حفظ امنیت غیرمسلحانه و ایجاد ثبات در جامعه جهانی مطرح می‌شود.

یکی از جنبه‌های مهم سایبردیپلماسی، تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه امنیت سایبری است. تهدیدات سایبری معمولاً به دلیل طبیعت جهانی اینترنت به سرعت از مرزهای ملی عبور می‌کنند. به همین دلیل، کشورها نیاز دارند که به طور مشترک به تقویت دفاع‌های سایبری و توسعه استانداردهای بین‌المللی بپردازند (Klimburg, 2017). سایبردیپلماسی از طریق برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی و توافق‌نامه‌های دوجانبه می‌تواند به تدوین اصول و قواعد مشترک در زمینه امنیت سایبری کمک کند و به این ترتیب، تهدیدات را به طور مؤثرتری مدیریت کند.

دیگرنقش کلیدی سایبردیپلماسی، مقابله با انتشار اطلاعات نادرست و پروپاگاندای دیجیتال است. در دنیای مدرن، اطلاعات غلط می‌تواند به سرعت به پخش شود و تأثیرات مخربی بر افکار عمومی و روابط بین‌المللی بگذارد. سایبردیپلماسی با ترویج شفافیت و به اشتراک‌گذاری اطلاعات معتبر می‌تواند به کاهش تأثیرات منفی این نوع از تهدیدات کمک کند. همچنین، تلاش برای ارتقاء سواد دیجیتال و آموزش به کاربران در مورد تشخیص اطلاعات نادرست و شایعات از دیگر استراتژی‌های مهم در این زمینه است.

علاوه بر این، سایبردیپلماسی می‌تواند به تقویت هماهنگی در مقابله با حملات سایبری بپردازد. حملات سایبری می‌توانند از سوی کشورها یا گروه‌های غیردولتی صورت گیرند و به آسیب به زیرساخت‌ها و اختلال در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی منجر شوند (Zetter, 2019: 127). سایبردیپلماسی از طریق اشتراک‌گذاری اطلاعات در مورد تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها و همکاری در تحقیق و توسعه ابزارهای دفاعی، به تقویت توانمندی‌های کشورها در مقابله با این تهدیدات کمک می‌کند.

به طور کلی، سایبردیپلماسی با تقویت همکاری‌های بین‌المللی، مدیریت اطلاعات نادرست و بهبود هماهنگی در مقابله با حملات سایبری، نقشی اساسی در مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه ایفا

می‌کند. این دیپلماسی به ایجاد چارچوب‌های مشترک و تقویت امنیت سایبری جهانی کمک می‌کند و به این ترتیب، از آسیب‌های احتمالی به امنیت غیرمسلحانه جلوگیری می‌کند.

در مجموع، دیپلماسی نوین با فراهم آوردن ابزارها و راهکارهای متعدد برای همکاری بین‌المللی، مدیریت بحران‌ها و تقویت امنیت سایبری و اقتصادی، نقش مهمی در مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه ایفا می‌کند. بهره‌برداری از این ابزارها و راهکارها به کشورها کمک می‌کند تا با چالش‌های جهانی مواجه شوند و به بهبود موقعیت ملی و بین‌المللی خود بپردازند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در دنیای پیچیده و به سرعت در حال تغییر امروز، تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی پیش روی کشورها و جوامع جهانی مطرح شده‌اند. این تهدیدات که از ابزارهای غیرنظامی و غیرمسلحانه برای ایجاد ناامنی استفاده می‌کنند، شامل طیف گسترده‌ای از تهدیدات اقتصادی، سایبری، زیست‌محیطی، بهداشتی و اجتماعی می‌شوند. مدیریت مؤثر این تهدیدات نیازمند رویکردی جامع و چندجانبه است که در آن دیپلماسی نوین نقشی کلیدی ایفا می‌کند.

دیپلماسی نوین از مبانی نظری متعددی بهره می‌برد که به‌ویژه در چارچوب نظریه‌های امنیتی همکاری بین‌المللی قابل تبیین است. نظریه‌های امنیتی مبتنی بر همکاری بین‌المللی نشان می‌دهند که در جهان امروز، دیگر تهدیدات صرفاً از طریق قدرت نظامی و ابزارهای سنتی قابل مدیریت نیستند، بلکه نیاز به رویکردهای نوین دیپلماتیک است که در آن تعاملات چندجانبه، استفاده از ابزارهای اقتصادی و سایبری و همچنین بهره‌برداری از دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای برای مدیریت تهدیدات به مراتب مهم‌تر از گذشته است.

از منظر نظریه‌های امنیتی، همکاری بین‌المللی به عنوان رویکردی برای ایجاد امنیت پایدار شناخته می‌شود که نیازمند هماهنگی میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. این همکاری به‌ویژه در مواجهه با تهدیدات غیرمسلحانه که شامل حملات سایبری، بحران‌های اقتصادی، تغییرات اقلیمی و پاندمی‌هاست، اهمیت می‌یابد. در چنین زمینه‌ای، دیپلماسی نوین با ابزارهای نوظهور و تاکتیک‌های جدید به عنوان تسهیل‌گر همکاری بین‌المللی عمل می‌کند. دیپلماسی نوین، برخلاف دیپلماسی سنتی که بیشتر به گفتگوی مستقیم میان دولت‌ها تکیه داشت، شامل مجموعه‌ای گسترده



از فعالیت هاست که به مدیریت تهدیدات غیرمسلحانه کمک می‌کند و با استفاده از ابزارهای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، به ایجاد توافقات بین‌المللی برای مقابله با تهدیدات کمک کند. این ابزارها به کشورها امکان می‌دهند تا با همکاری‌های بین‌المللی، تبادل اطلاعات، ایجاد استانداردهای امنیتی و ترویج هنجارهای بین‌المللی به مقابله با تهدیدات بپردازند. در این راستا، دیپلماسی چندجانبه با همکاری سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و ناتو نقش مهمی در ایجاد توافقات و راه‌حل‌های مشترک ایفا می‌کند. پیمان‌های بین‌المللی نیز که با همکاری این سازمان‌ها تدوین و تصویب می‌شوند، می‌توانند به مدیریت تهدیدات غیرمسلحانه کمک کنند.

یکی از مهم‌ترین ابعاد دیپلماسی نوین، دیپلماسی عمومی است که در ایجاد و هدایت افکار عمومی و ساختن تصویر بین‌المللی نقش مهمی دارد و به عنوان ابزاری برای کنترل و مدیریت تهدیدات غیرمسلحانه از جمله افراط‌گرایی و بی‌ثباتی سیاسی اهمیت می‌یابد. این مؤلفه به دولت‌ها این امکان را می‌دهد تا با استفاده از قدرت نرم، نه تنها سیاست‌های خود را در سطح بین‌المللی مشروعیت بخشند، بلکه ائتلاف‌های مردمی و سازمانی را برای مقابله با تهدیدات غیرمسلحانه تشکیل دهند. دیپلماسی اقتصادی می‌تواند زمینه‌ساز همکاری‌های سازنده بین‌المللی برای مدیریت بحران‌های اقتصادی یا اقلیمی باشد که خود تهدیدات جدی امنیتی محسوب می‌شوند. دیپلماسی مسیر دوم با فراهم کردن فضایی برای تبادل نظر و کاهش تنش‌ها، می‌تواند به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی کمک کند تا راه‌حل‌های خلاقانه و غیررسمی برای مدیریت تهدیدات بیابند.

دیپلماسی نظامی و اجبار نیز هرچند بیشتر در زمینه تهدیدات مسلحانه به کار می‌روند، اما در مدیریت تهدیدات غیرمسلحانه نیز می‌توانند نقش مکمل داشته باشند. این مؤلفه به عنوان ابزاری برای بازدارندگی عمل می‌کند و از طریق تهدید به اعمال قدرت نظامی می‌تواند بازیگران غیردولتی یا دولتی را که در حال تشدید تهدیدات غیرمسلحانه هستند، مجبور به عقب‌نشینی کند.

از طریق استفاده از رسانه‌های سنتی و دیجیتال، دولت‌ها می‌توانند به مدیریت ادراکات جهانی بپردازند و به مقابله با تهدیدات روانی و اطلاعاتی که از جمله تهدیدات غیرمسلحانه محسوب می‌شوند، اقدام کنند. دیپلماسی سایبری با ایجاد مکانیزم‌های تبادل اطلاعات بین دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز می‌تواند به شناسایی و مقابله با تهدیدات کمک کند.

با توجه به ابعاد مختلف مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه، می‌توان گفت که این فرآیند نیازمند رویکردی جامع و چندجانبه است که در آن تمامی ابزارها و رویکردهای دیپلماسی نوین به‌طور هماهنگ و هم‌افزا به‌کارگرفته شوند. این رویکرد شامل شناسایی زود هنگام تهدیدات، پیشگیری از بروز آن‌ها، مدیریت بحران‌های ناشی از تهدیدات و بازسازی پس از بحران است.

در مجموع، دیپلماسی نوین با تلفیق ابزارهای دیپلماسی عمومی، سایبری، اقتصادی، مسیر دوم، رسانه‌ای و در صورت لزوم، نظامی و اجبار، به‌عنوان یک چارچوب جامع برای مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه در جهان امروز عمل می‌کند. این نوع دیپلماسی با تأکید بر همکاری‌های بین‌المللی و استفاده از ظرفیت‌های چندجانبه، امکان ایجاد امنیت پایدارتر و مؤثرتر را در مواجهه با تهدیدات غیرمسلحانه فراهم می‌آورد. به همین دلیل، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نیازمند استراتژی‌های هماهنگ و یکپارچه‌ای هستند که از تمامی ابزارهای موجود دیپلماتیک برای مقابله با چالش‌های نوظهور بهره‌برداری کنند. این رویکرد چندوجهی می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت بیشتر در مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه و ارتقای امنیت جهانی باشد.

## پیشنهادهای

برای بهبود مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه و بهره‌برداری بهینه از دیپلماسی نوین، می‌توان به موارد زیر توجه کرد:

۱. تقویت همکاری‌های بین‌المللی: تقویت روابط با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و مشارکت در توافقات بین‌المللی می‌تواند در زمینه‌های مختلفی نظیر تغییرات اقلیمی، امنیت سایبری و مبارزه با تروریسم به تقویت موقعیت و کاهش تهدیدات غیرمسلحانه کمک کند.
۲. تقویت دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای: با بهره‌برداری از رسانه‌های جمعی و دیجیتال برای ارائه تصویر مثبت و شفاف به جهانیان استفاده شود. این شامل ایجاد و تقویت کانال‌های رسانه‌ای معتبر و اثرگذار در سطح بین‌المللی است که از تحریف‌های رسانه‌ای جلوگیری می‌کند.
۳. بهبود امنیت سایبری و فناوری اطلاعات: با سرمایه‌گذاری در امنیت سایبری و زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و با همکاری کشورهای پیشرفته در این حوزه این امر را محقق کنند. این شامل ارتقای سطح امنیت شبکه‌های اطلاعاتی و ایجاد تیم‌های متخصص برای مقابله با حملات سایبری است.



۴. پشتیبانی از توسعه پایدار و زیست محیطی: با اجرای برنامه‌های زیست محیطی برای مقابله با تغییرات اقلیمی و حفظ منابع طبیعی توجه شود. این شامل پیوستن به توافقات زیست محیطی جهانی و اجرای پروژه‌های داخلی برای کاهش آلودگی و حفاظت از محیط زیست است.
  ۵. توسعه روابط اقتصادی و تجاری: توسعه روابط تجاری با کشورهای مختلف و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این زمینه ضروری است. این شامل ایجاد توافق‌نامه‌های تجاری و اقتصادی و افزایش تعاملات اقتصادی با کشورهای دیگر است.
  ۶. حمایت از جامعه مدنی و نهادهای غیر دولتی: حمایت از سازمان‌های غیر دولتی و جامعه مدنی که می‌توانند در زمینه‌های مختلفی نظیر حقوق بشر، توسعه اجتماعی و پیشگیری از بحران‌ها نقش‌آفرین باشند و همچنین اجرای برنامه‌های آموزشی برای آگاهی‌رسانی به مردم و افزایش مشارکت جامعه در امور امنیتی و اجتماعی می‌تواند به تقویت امنیت داخلی و پیشگیری از بحران‌ها کمک کند.
- با اجرای این پیشنهادات، می‌توان به‌طور مؤثرتری به مدیریت تهدیدات امنیتی غیرمسلحانه پرداخته و از دیپلماسی نوین برای تقویت موقعیت ملی و بین‌المللی خود بهره‌برداری کرد.



## فهرست منابع

### الف-فارسی

۱. احمدی نژاد، د (۱۴۰۲). *دیپلماسی اقتصادی و امنیت غیرمسلحانه: مطالعات موردی*. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. آشنا، ح، و جعفری هفت‌خانی، ن (۱۳۸۶). *دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی؛ پیوندها و اهداف*. دانش سیاسی. ۳ (۵)، ۱۷۹-۲۰۶.
۳. بوزان، ب، و هانسن، ل (۱۳۸۸). *رویکردهای نظریه‌ای در امنیت بین‌الملل*. ترجمه م-تقی‌زاده، تهران، نشر دانشگاهی.
۴. بهمنش، د، م (۱۳۹۹). *دیپلماسی عمومی و امنیت بین‌الملل*. تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. فلاح، د، ح (۱۴۰۰). *دیپلماسی فرهنگی و امنیت غیرمسلحانه: ابعاد و کارکردها*. تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۶. قاسمی، د، س (۱۴۰۰). *دیپلماسی پیشگیرانه: نظریه‌ها و کاربردها*. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. کافمن، ا (۲۰۱۷). *امنیت بین‌المللی و دیپلماسی نظامی: چالش‌ها و راهکارها*. لندن، انتشارات دانشگاه آکسفورد.
۸. گیل، ا (۲۰۱۵). *سیاست‌های جهانی و دیپلماسی عمومی*. لندن، انتشارات دانشگاه آکسفورد.
۹. نوری، د، ع (۱۴۰۰). *نقش رسانه‌ها در دیپلماسی امنیتی غیرمسلحانه*. تهران، انتشارات دانشگاه آزاد.
۱۰. هارل، آ (۱۳۷۴). *روابط بین‌الملل: نظریات و نهادها*. ترجمه ب-امینی، تهران، نشر دانش.

### ب-انگلیسی

11. Aggarwal, V. K., & Fogarty, E. A. (2004). *EU Trade Strategies: Between Regionalism and Globalism*. Palgrave Macmillan
12. Arquilla, J & Ronfeldt, D. (2009). *The advent of netwar (revisited). Networks and netwars: The future of terror, crime, and militancy*, 1
13. Art, R. J. (2003). *A Grand Strategy for America*. Cornell University Press.
14. Baldwin, D. A. (2016). *Power and International Relations: A Conceptual Approach*. Princeton University Press.
15. Bitzinger, R. A. (2022). *Economic Diplomacy and Non-Military Security Threats*. Palgrave Macmillan.
16. Fisher, R. (2022). *Beyond the Lines: The Role of Track Two Diplomacy in Humanitarian Crises*. Cambridge University Press.



17. Jentleson, B. W., & Whytock, C. A. (2021). **The Role of Informal Diplomacy in Conflict Resolution.** *International Relations*, 35(2), 140-160.
18. Keohane, R. O. (1984). **After hegemony: Cooperation and discord in the world political economy.** *Princeton University Press*.
19. Keohane, R. O., & Nye, J. S. (1977). **Power and Interdependence: World Politics in Transition.** Boston: Little, Brown.
20. Keohane, R. O., & Nye, J. S. (1984). **After Hegemony: Cooperation and Discord in the World Political Economy.** *Princeton University Press*.
21. Klimburg, A. (2017). **The Darkening Web: The War for Cyberspace.** *Penguin Random House*.
22. Moravcsik, A. (1997). **Taking Preferences Seriously: A Liberal Theory of International Politics.** *International Organization*, 51(4), 513-553.
23. Nye, J. S. (2004). **Soft Power: The Means to Success in World Politics.** *Public Affairs*.
24. Vaezi, M. (2006). **The Impact of the Iranian Revolution on Middle Eastern Politics.** Routledge.
25. Zetter, K. (2019). **Countdown to Zero Day: Stuxnet and the Launch of the World's First Digital Weapon.** *Crown Publishing Group*.